



فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی

سال سوم • شماره ششم • بهار ۱۳۹۹

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 3, No. 6, Spring 2020

ویژگی‌های ماهیت حریم خصوصی

حمید شهریاری*

چکیده

این مقاله با اشاره به چهار تعریف از «حریم خصوصی» که در مقدمه مقاله آمده در صدد است تا نظریه‌ای جدید در باب تعریف ماهیت حریم خصوصی ارائه کند. در ابتدا، چارچوب مفهومی حریم خصوصی با استفاده از اصول تبادر، تفکیک معنای لغوی از معنای ماهوی و تبیین ویژگی‌های کلیدی ماهیت حریم خصوصی بیان شده است و در ادامه، حوزه‌های معنایی حریم خصوصی به چهار حوزه مختلف تقسیم شده و هر یک به طور مستقل توضیح داده شده است. نخستین حوزه عبارتست از حریم خصوصی هویتی، دومین حوزه عبارتست از حریم خصوصی مکانی، سومین حوزه عبارتست از حریم خصوصی ارتباطاتی و چهارمین حوزه حریم خصوصی افعالی است و سپس تلاش شده تا یک جامع مفهومی بین این چهار حوزه پیدا کنیم. در نهایت، این تعریف بدست آمده است: حریم خصوصی بخشی از حیات یک فرد است که نوع افراد یک جامعه مفروض، مایل نیستند که دیگران بدون اجازه در آن تصرف کنند.

کلیدواژه‌ها

حریم خصوصی، هویت‌ها، مکان‌ها، ارتباطات، افعال.

* استادیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت). تهران، ایران. | shahriari@samt.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۲ □ تاریخ تألیف: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

تعریف «حریم خصوصی»، یکی از مباحث چالشی در حوزه‌های مختلف علمی است. از جمله در مباحث اخلاق و حقوق از این چالش‌ها و راه‌حل‌های برون‌رفت از آن بحث میشود. تا کنون تعاریف مختلفی از حریم خصوصی بدست آمده است. برخی معتقدند که حریم خصوصی عبارتست از حق تنها بودن (Warren & Brandeis, 1890, p. 193) برخی همچون ویلیام پرت، حریم خصوصی را به شکلی وابسته به اطلاعات می‌دانند و آن را نوعی حال یا حالت می‌دانند که در آن دیگران به اطلاعات شخصی و نامستند درباره‌ی کسی دست نیافته‌اند (Parent, 1983, p. 269). برخی دیگر چون چارلز فرید، حریم خصوصی را بر اساس کنترل و مهارت که ما بر اطلاعات مربوط به خودمان داریم، تعریف می‌کنند (Fried, 1984, p. 209). آلن وستین از محققان این حوزه، معتقد است که «حریم خصوصی عبارت است از ادعا و درخواست افراد، گروه‌ها، یا مؤسسات در مورد تعیین این که خودشان چه وقت، چطور و تا چه اندازه اطلاعات درباره‌ی خودشان را به دیگران انتقال دهند» (Westin, 1967, p. 7) و آدام مور نیز حریم خصوصی را این گونه تعریف کرده است: «حق کنترل دسترسی بر خود شخص و به اطلاعاتی درباره‌ی خود شخص» (Moore, 2008, p. 414). جولی اینس آن را «حالت کنترل داشتن بر اطلاعات مربوط به خود، دسترسی به خود یا تصمیمات شخصی مربوط به کارهای خود» می‌داند (Inness, 1992, pp. 8, 139-140). وجه اشتراک همه‌ی این تعاریف آنست که در همه‌ی آنها به نوعی به کنترل داشتن بر اطلاعات شخصی تأکید شده است. چهارمین نوع از تعاریف، حریم خصوصی را به چند وجه تمایز مربوط می‌داند که همه آنها در تعریف حریم خصوصی دخیل هستند. به این نوع تعاریف، «تعاریف‌های خوشه‌ای» گویند که هر وجه تمایز به یک خوشه از مفهوم ماهیت حریم خصوصی اشاره دارد. گاوینسن، از جمله کسانی است که سه عنصر تنهایی، رازداری و ناشناختگی را در تعریف حریم خصوصی دخیل می‌داند (Gavison, 1980, pp. 428-429). تعریف حریم خصوصی به «حق تنها بودن» جامع افراد نیست؛ چون گاهی ما دیگری را زیر نظر داریم، بدون این که تنهایی او را نقض کنیم. گاهی اوقات در حالی حق حریم خصوصی نقض می‌شود که ما با خانواده خود هستیم و تنها نیستیم. خواندن نامه دیگران بدون اجازه نیز نقض حریم خصوصی است، در حالی که تنهایی او را نقض نکرده‌ایم. تعریف حریم خصوصی به دست نیافتن به اطلاعات شخصی نیز تعریف کاملی نیست؛ چون شامل حریم خصوصی مکانی و جسمانی



نمی‌شود. برای مثال، وقتی می‌دانیم که کسی در اتاقش در حال انجام چه کاری است و بدون اجازه وارد اتاق او می‌شویم اطلاعاتی درباره او بدست نیاورده‌ایم، ولی وارد حریم خصوصی او شده‌ایم. تعریف حریم خصوصی بر اساس «کنترل اطلاعات» نیز اشکالات متعددی دارد، یکی از آنها عدم تبادر کنترل اطلاعات از معنای واژه «حریم خصوصی» است. در مقاله دیگری به طور مفصل به توصیف و نقد هر یک از این تعاریف چهارگانه پرداخته‌ایم (نک: شهریاری، حمید، ۱۳۹۸).

اما در اینجا درصدد آنیم که تعریفی مختار از ماهیت «حریم خصوصی» بدست دهیم که بری و بدور از اشکالات پیش گفته باشد. مزیت تعریف آتی این است که به نوعی جامع کلیه معانی است که تا کنون عرضه شده است. به عبارت دیگر، هر یک از تعاریف پیش گفته، به بخشی از معنای حریم خصوصی توجه کرده و بخش دیگر را نادیده گرفته‌اند. این بدان جهت است که این مقاله درصدد است بیان کند که مفهوم حریم خصوصی نه یک مفهوم تک‌وجهی، بلکه یک مفهوم چند وجهی است. نگارنده، همچنین معتقد است که برخی از ضوابط بیان شده در اصول فقه اسلامی در فلسفه اخلاق اسلامی نیز کاربرد دارد و این مقاله از آنها بهره برده است.

چارچوب مفهومی حریم خصوصی

برای تعریف حریم خصوصی باید به نکاتی توجه داشت: نخست این که مطابق دانش اصول فقه اسلامی، بهترین راه برای توصیف یک واژه، معنایی است که هنگام ادای لفظ بدون قرینه خاصی به ذهن تبادر می‌گردد. برداشت‌های ارتکازی که ما از کاربردهای مستمر یک واژه در طول حیات اجتماعی خود بدست آورده‌ایم، برایمان شهودی به ارمغان می‌آورد که به تحقق این نوع تبادر منجر می‌شود (الخراسانی، ۱۴۰۹، ص ۱۸؛ مظفر، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۲۳). این تبادر به ما کمک می‌کند که اولاً دایره مفهومی یک واژه را تعیین کنیم و ثانیاً، مصادیق مفهوم یک واژه را بازشناسیم و تعیین کنیم که آیا یک شیء خاص مصداقی از مفهوم حریم خصوصی هست یا نه.

نکته دوم این که گاهی با صرف دانستن معنای لغوی یک واژه نمی‌توان به‌درستی - به ویژگی‌های ماهیت یک شیء پی برد. برای مثال، ممکن است واژه «بازی» از نظر معنایی، تبادری روشن و آشکار برای همه ما داشته باشد، ولی نمی‌توانیم با این تبادر به‌درستی به ویژگی‌های ماهیت بازی پی برد. برای این کار باید ویژگی‌های مشترک بازی‌ها را فهرست کنیم و هر چه این ویژگی‌ها کلیدی‌تر باشند، بهتر شاخصه‌ها و ماهیت «بازی» را برای ما مشخص می‌کنند.



نکته سوم این که گاهی ویژگی‌های ذکر شده برای تعیین ویژگی‌های کلیدی یک مفهوم بین تمامی مصادیق آن مشترک نیست، بلکه دسته‌ای از مصادیق عمده دارای این ویژگی کلیدی هستند. برای مثال، روشن است که بُرد و باخت داشتن از ویژگی‌های کلیدی بخش عمده‌ای از بازی‌هاست و در عین حال، همه بازی‌ها برد و باخت ندارند، مثل بازی پچه‌ها با بادکنک. بنا براین، یک حوزه معنایی برای بازی جایی است که بُرد و باخت باشد. در این حال، بهترین روش برای نزدیک شدن به تعریفی دقیق این است که حوزه‌های متفاوت معنایی را از هم تفکیک کنیم و سپس ببینیم آیا مفهوم مشترکی می‌توان یافت که به همه آن حوزه‌های معنایی دلالت داشته باشد یا نه. این مفهوم مشترک، گاهی یافت می‌شود و گاهی یافت نمی‌شود؛ اگر یافت شد، آن مفهوم مشترک بین حوزه‌های معنایی، به نوعی تعریف آن مفهوم خواهد بود و اگر مفهوم واحد مشترکی یافت نشد، ترکیبی از مجموعه‌ای از چند حوزه معنایی، تا زمانی که مفهوم مشترکی یافت نشود، به نوعی توصیف آن مفهوم خواهد بود. در هر دو صورت، با تفکیک حوزه‌های معنایی توصیف روشنی از ماهیت بدست داده‌ایم و این همان هدف از تعریف یک ماهیت است. در اینجا در کنار تبیین حوزه‌های معنایی به چند بحث دیگر نیز در ذیل هر کدام می‌پردازیم: اولاً، بحث می‌کنیم که چه وقت است که حریم خصوصی «صحت سلب» دارد، یعنی مفهوم حریم خصوصی موضوعاً آن موارد را شامل نمی‌شود و در کنار آن بحث می‌کنیم که چه وقت حریم خصوصی نقض می‌شود و اگر حریم خصوصی یک فرد در آن حوزه معنایی نقض شود، چه اتفاقی ممکن است افتاده باشد. بحث از حکم حریم خصوصی یا نقض آن، در محدوده این مقاله نیست، یعنی این که اگر کسی عمداً چنین نقضی انجام دهد حکم آن چیست و ادله این حکم چیست، در این مقاله بحث نمی‌شود و در اینجا تنها در صدد ایضاح مفهومی «ماهیت حریم خصوصی» هستیم.

حوزه‌های معنایی حریم خصوصی

در اینجا حوزه‌های معنایی حریم خصوصی را به چهار حوزه مختلف تقسیم می‌کنیم و هر یک را به طور مستقل، توضیح می‌دهیم. این چهار حوزه عبارتند از (۱) حریم خصوصی هویتی؛ (۲) حریم خصوصی مکانی؛ (۳) حریم خصوصی ارتباطاتی؛ (۴) حریم خصوصی افعالی و سپس بحث می‌کنیم که آیا می‌توانیم یک جامع مفهومی بین این چهار حوزه پیدا کنیم یا نه.

۱. حریم خصوصی هویتی

«هویت» هر فردی ترکیبی از بدن و نفس اوست و به تناسب این دو، هویت هر فردی شامل اوصاف جسمانی و اوصاف نفسانی او نیز می‌شود. حریم خصوصی هویتی، عبارتست از کل یا بخشی از هویت یک فرد شامل بدن و نفس و ویژگی‌ها و امور مربوط به این دو به نحوی که نوع افراد یک جامعه مفروض تمایل ندارند که دیگران بدون اجازه تصرفی در آن از قبیل لمس، تماس، معیت، نگاه، مشاهده، توجه، آگاهی، مطالعه و نشر داشته باشند.

طبق این تعریف بدن و اجزای آن بخشی از حریم خصوصی هر فرد هستند. این که یک فرد دارای چه ویژگی‌های جسمانی خاصی است، در حوزه حریم خصوصی آن فرد قرار دارد. همچنین اوصاف جسمانی همچون سلامت نیز داخل در حریم خصوصی افراداند. اگر جسم فردی را بدون تمایل او لمس کنیم یا تماس داشته باشیم یا با آن جسم همراه شویم یا به آن نگاه کنیم یا از طریق حواس دیگر آن را حس کنیم، به آن توجه کنیم یا بدان آن آگاهی یابیم و یا آن را نشر دهیم، حریم خصوصی او را سلب کرده‌ایم.

ویژگی‌های نفسانی هر فرد همچون اوصاف نفسانی، عقاید، امیال، آرزوها، عواطف و احساسات فردی و مانند آن نیز داخل در حریم خصوصی اوست و هر نوع تصرف از قبیل آنچه ذکر شد، سلب و نقض حریم خصوصی اوست.

در این تعریف، مفهوم «لمس» متفاوت از مفهوم «تماس» است. لمس بدن، بی‌واسطه است؛ در حالی که تماس می‌تواند از روی لباس باشد یا می‌توان با تلفن یا مکالمه تصویری یا دوربین تارگاهی (وب‌کم) تماس حاصل کرد.

باید توجه داشت که اجزای بدن و ویژگی‌های جسمانی بر دو نوعند: گاهی به‌خودی‌خود در یک جامعه مفروض آشکارند و گاهی پنهان هستند. برای مثال، چهره یک مرد به‌خودی‌خود در جامعه ما آشکار است. آیا توصیف چهره یک فرد مفروض در جامعه ما داخل در حریم خصوصی اوست؟ به نظر می‌رسد این موارد از حدود حریم خصوصی خارج‌اند، ولی در عین حال، موارد استثنا نیز وجود دارد. گاهی فرد نقصی یا حُسنی یا آرایشی در چهره دارد که مایل است آن را با پوشیه یا نقاب یا به شیوه‌ای دیگر از دیگران بپوشاند.

ناشناخته بودن در بین جمعیت از جمله حریم خصوصی هویتی است. گاهی شخص مایل نیست که هویت او در اجتماعی که در آن حضور دارد کشف شود. ناشناختگی داخل در این قسم از حریم خصوصی است.



همچنین هویت انسان ارتباطی دنیایی با اموال او دارد، به طوری که هویت اجتماعی انسان به نوعی با مقدار اموال و دارایی‌های او شکل می‌گیرد. گرچه به معنای فلسفی و عرفانی هویت یک انسان به هیچ روی به اموال او وابسته نیست، ولی از نظر اجتماعی، طبقه‌ای که آدمی در آن حیات خود را می‌گذراند، هویت اجتماعی آدمی را شکل می‌دهد و از این نظر اموال انسان می‌تواند بخشی از حریم خصوصی هویتی‌اش باشد. از جمله اموال می‌توان لباس و زیورآلات را نیز برشمرد. در عین حال، برای رعایت دیدگاه فلسفی می‌توان اموال شخص را داخل در حریم خصوصی ارتباطی دانست که در قسم سوم ذکر شده است.

برخی به جای ذکر حریم هویتی از ترکیبی از حریم جسمی و حریم شخصیت نام برده‌اند (سروش، ۱۳۹۳، ص ۲۰-۲۳). تعبیر به «حریم هویتی» بهتر از تعبیر به «حریم جسمی» است که شامل «حریم نفسانی» نمی‌شود. همچنین بهتر از ضمیمه کردن حریم شخصیت است که بسیاری از امور غیر جسمانی و نفسانی را شامل شده و مانع اغیار نیست.

۲. حریم خصوصی مکانی

این نوع حریم، عبارتست از محدوده‌ای از حیات یک انسان حاصل از نسبتی که او با مکان مربوط به خود دارد؛ به طوری که نوع افراد یک جامعه مفروض تمایل ندارند که دیگران بدون اجازه تصرفی در آن از قبیل حضور یا ورود یا دسترسی یا آگاهی یا نشر داشته باشند.

آنچه دیگران با عنوان «حریم خصوصی» تنهایی به آن اشاره کرده بودند، در این بخش می‌گنجد. ما با مکان حضور خودمان نسبتی داریم و گاهی این نسبت طوری است که مایل نیستیم کسی بی اجازه در آن وارد شود. این حالت تنهایی است. در عین حال، گاهی ما نسبتی با مکان مربوط به خودمان داریم و برای مثال، آن مکان محل کار ما یا محل زندگی ماست؛ هرچند فعلاً در آن حضور نداریم. در عین حال، مایل نیستیم کسی در آن تصرفی از قبیل حضور یا دسترسی داشته باشد؛ هرچند ما اینک در آن مکان حضور نداشته باشیم. به همین دلیل از قید «مکان مربوط» استفاده کردیم تا هر دو مورد را شامل شود. گاه با مسافرت و رفتن به نقطه و مکانی (درون شهری یا بروی شهری) نسبتی با آن مکان پیدا می‌کنیم که مایل نیستیم کسی از آن آگاهی یابد یا اطلاعات مربوط به آن را نشر دهد؛ این تعریف شامل این موارد از حریم خصوصی نیز می‌شود. خانه، اتاق کار شخصی و اتاق شخصی فرزندان در خانه، داخل در این قسم‌اند. در مقابل، اتاق کاری که مورد مراجعه عموم است، پارک‌ها و خیابان‌های شهر، داخل در

این قسم نیستند و از این قسم محسوب نمی‌شوند. به همین دلیل نمی‌توان داخل ماشین را وقتی در خیابان است، حریم خصوصی دانست؛ چون تقریباً داخل همه ماشین‌ها از بیرون قابل رؤیت است. بلکه در صورتی که داخل ماشین قابل رؤیت نباشد، مثل وانت سرپوشیده در قسمت سرپوشیدگی داخل در «حریم خصوصی مکانی» است. همچنان که بخش‌هایی از ماشین که قابل رؤیت نیست، مثل داخل داشبورد ماشین داخل در «حریم خصوصی مکانی» است. نیز حریم خصوصی ولی اگر کارمندی داخل در اتاق کار عمومی دارای میزی بود که آن میز دارای کشویی شخصی بود، آن محل داخل در این قسم از حریم خصوصی است.

از این جهت در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر - مصوب ۲ / ۲ / ۱۳۹۴ - به درستی چنین آمده است:

- ماده (۵) در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

- تبصره: اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه، مشمول حریم خصوصی نیست.

به نظر می‌رسد که وقتی در پارک نشسته‌ایم محدوده حضور هر گروه، حریم خصوصی آن گروه است و بدون اجازه نباید بدان داخل شد. اگر درون چادری نشسته باشند که امر روشن است، ولی اگر بدون چادر نشسته باشند نیز هر کسی نمی‌تواند روی زیرانداز گروه دیگر بنشیند یا به حریم آن وارد شود. در تعیین محدوده حریم خصوصی وقتی بدون چادر نشسته باشند، زمان و مکان دخیل است. در برخی اماکن، نزدیک شدن به اطراف زیرانداز گروه دیگر نوعی ورود به حریم خصوصی تلقی می‌شود، ولی گاهی اوقات به دلایل مختلفی چون ازدحام جمعیت، همان حدودی که نوعاً ورود به حریم خصوصی تلقی می‌شد، بدون اشکال است، مثل مواقعی از سال که مردم برای گردشگری به پارک‌ها هجوم می‌آورند. بنا بر این، محدوده حریم را مطابق زمان و مکان مختلف، عرف تعیین می‌کند.

برخی گمان کرده‌اند که قاعده «حق سبق» که فقها بدان استناد کرده‌اند، مدرکی برای حق حریم خصوصی مکانی است (سروش، ۱۳۹۳، ص ۱۸). در منابع روایی ما احادیثی آمده است که



حقّ اولویت مکانی را محترم شمرده است، از جمله شیخ طوسی روایتی از پیامبر (ص) نقل کرده است که بیان می‌دارد: «هر کس به سوی چیزی سبقت گیرد که دیگران بدان سبقت نگرفته باشند، بدان سزاوارتر است» (الطوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۶۸). همچنین زید بن طلحة از امام صادق (ع) روایت کرده که «بازار مسلمانان مثل مسجدشان است، هر کس زودتر به مکانی آید تا شب به آن مکان سزاوارتر است» (العاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۷۸؛ الکلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۲). از این احادیث استفاده می‌شود که حضور در یک مکان، موجب اولویت در استفاده آن مکان است.

اما این برداشت، صحیح به نظر نمی‌رسد. آنچه موجب این اشتباه شده کلمه «أحقّ» است که به معنای حق اولویت است و روشن است که «حق اولویت» غیر از «حق حریم خصوصی» است. ممکن است فردی نسبت به مکانی حق اولویت داشته باشد، ولی حق حریم خصوصی نداشته باشد؛ گرچه هر حق حریم خصوصی موجب حق اولویت نیز هست، ولی هر حق اولویتی موجب حق حریم خصوصی نیست؛ چون ممکن است در مکانی عمومی واقع شده باشد.

۳. حریم خصوصی ارتباطاتی

«حریم خصوصی ارتباطاتی» عبارتست از محدوده‌ای از حیات یک انسان حاصل از نسبت ارتباطاتی که او با افراد یا گروه‌های اجتماعی یا اشیای پیرامون محیط زندگی خودش از قبیل همسر، فرزندان، والدین، دوستان، همسایگان، آشنایان و غیر آنان دارد، به طوری که نوع افراد یک جامعه مفروض تمایل ندارند که دیگران بدون اجازه حسب مورد تصرفی در آنان از قبیل حضور، تماس، معیت، آگاهی، نشر و مداخله داشته باشند.

وقتی کسی با خانواده خود در خانه بسر می‌برد، در بسیاری مواقع مایل نیست که دیگران بدون اجازه او در کنار آنان حضور یابند. بسیاری از پدران و مادران مایل نیستند که فرزندشان در تماس با دیگران باشد یا مایل نیستند که والدین خود را با افراد غریبه همراه سازند و همچنین مایل نیستند که دیگران از نحوه و میزان علاقه‌ای که او به اعضای خانواده خود دارد آگاهی یابند یا آن را نشر دهند. خانه، مأمنی برای ارتباطات خانوادگی است. گاهی نیز یک سالن مجلس عروسی مأمنی برای ارتباطات فامیلی است و اعضای فامیل تمایل ندارند که غریبه داخل سالن شود. ما با دوستان خود خلوت می‌کنیم و آنان را محرم رازهای خود می‌دانیم و مایل نیستیم که دیگران بدون اجازه در این حریم وارد شوند یا از آن آگاه شوند. اگر فردی همسر اختیار کرد و ارتباطاتی با او

داشت و برای مثال، نامه‌هایی برای هم نوشته بودند، محتوای این نامه‌ها داخل در حریم خصوصی ارتباطاتی است. نامه‌های الکترونیکی که بین دوستان و آشنایان مبادله می‌شود نیز داخل در این قسم از حریم خصوصی‌اند.

برخی از کلمه «صمیمیت»^۱ استفاده کرده‌اند تا این معنای حریم خصوصی ارتباطاتی را توضیح دهند، ولی باید دانست که این حوزه شامل روابط خصومتی، دشمنی، متارکه و قهر نیز می‌شود و مختص رابطه دوستی، رفاقت و زناشویی نیست. به همین دلیل کلمه «صمیمیت» کلمه جامعی برای دلالت بر این قسم نیست. یعنی این که یک فرد با چه کسانی خصومت دارد یا از چه کسانی نفرت دارد نیز داخل در این قسم از حریم خصوصی است.

اگر اموال انسان را بخشی از هویت او ندانیم، می‌توان اموال او را بخشی از حریم خصوصی ارتباطاتی هر شخص به حساب آورد؛ از این نظر که اشخاص ارتباطی تنگاتنگ با اموال خود دارند و اگر این ارتباط به گونه‌ای باشد که نوع افراد در یک جامعه مفروض تمایل نداشته باشند که در آن تصرفی صورت گیرد، داخل در حریم خصوصی آنهاست. در این فرض، حریم خصوصی ارتباطاتی نسبت ارتباطی فرد با اشیای پیرامون محیط زندگی خودش را نیز شامل می‌شود. انواع تصرفاتی که ممکن است در اموال صورت گیرد، شامل مواردی چون لمس، تماس، معیت، نگاه، مشاهده، توجه، آگاهی، ورود، دسترسی، مطالعه و نشر است. اشیای دیگری هستند که ارتباط با آنها داخل در حریم خصوصی است؛ هرچند بخشی از اموال شخص به حساب نیایند. برای مثال، اگر فردی چیزی را به عاریت گرفته تا استفاده کند، ولی تمایل ندارد که دیگران نحوه ارتباط او را با آن شیء بدانند، این ارتباط داخل در حریم خصوصی فرد است و افشای آن نقض حق حریم خصوصی است.

نکته آخر این که داخل شدن در مفهوم حریم خصوصی به معنای الزام رعایت آن نیست، بلکه الزام به رعایت حق حریم خصوصی داخل در بحث از حکم حریم خصوصی است. گاهی حریم خصوصی بودن ثابت است، اما رعایت آن به دلیل حقوق یا احکام دیگری که اهم است لازم نیست، برای مثال، اگر فردی دزدی کرده و چیزی را از دیگری نزد خودش نگه داشته، ارتباطی که آن فرد با آن شیء دارد، داخل در حریم خصوصی او به حساب می‌آید، ولی رعایت این حریم خصوصی لازم نیست؛ چون حق ملکیت مالک اصلی مقدم بر حق حریم خصوصی

1. intimacy

این فرد است. حقوق دیگری هستند که بر حق حریم خصوصی مقدم‌اند، این بحث به احکام حریم خصوصی مربوط است که این مقاله در صدد بررسی کامل آن نیست. تذکر این نکته در اینجا صرفاً بدان منظور بود که بدانیم هر جا حق حریم خصوصی ثابت بود، به معنای لزوم رعایت او نیست، بلکه برای لزوم رعایت آن باید شرایط دیگری نیز استیفا شود.

۴. حریم خصوصی افعالی

«حریم خصوصی افعالی» عبارتست از محدوده‌ای از حیات یک انسان حاصل از نسبتی که او با کارهایی که در زندگی خودش انجام می‌دهد، دارد؛ به گونه‌ای که نوع افراد یک جامعه مفروض مایل نیستند که دیگران بدون اجازه در آن تصرفی از قبیل دخالت، آگاهی و نشر داشته باشند. در این بین فرقی نمی‌کند که صاحب حریم خصوصی، کار خیر یا شرّ در حریم خود انجام دهد. اگر او مایل نیست که دیگران در آن دخالت کنند یا از آن آگاه شوند هر دو صورت خیر و شرّ داخل در حریم خصوصی کاری اوست. بنابراین، اگر کسی در تنهایی خود در حال ارتکاب فعل حرامی باشد، نیز حریم خصوصی او به حساب می‌آید. اگر کسی آشکارا سرگرم کاری است و برای مثال، در حال نقاشی از یک منظره طبیعی است، دخالت کردن در کار او دخالت در حریم خصوصی کاری او به حساب می‌آید. اگر دو نفر در حال گفت‌وگو با هم در اتوبوس هستند و دیگری در کلام آنان دخالت کند و ابراز نظر کند، به حریم خصوصی کاری آنان داخل شده است؛ اگر این دو نفر با هم دوست باشند، افزون بر آن به حریم خصوصی ارتباطاتی آنان نیز وارد شده است. در این که دخالت کردن در کار دیگری که در عُرْف بدان «فضولی» گویند، نقض حریم خصوصی تلقی می‌شود یا نه، نیازمند تحقیق بیشتری است. نگارنده سطور متمایل به این فرض است که فضولی در کار دیگران، نوعی نقض حریم خصوصی است و در این مقاله این معنا را برگزیده است و به همین جهت، کلمه «دخالت» را در تعریف حریم خصوصی افعالی آورده است. گاهی ممکن است ورود یا دخالت موجب شود که در مجموعه‌ای از اقسام چهارگانه حریم خصوصی تصرف شود. برای مثال، اگر مادری در منزل سرگرم اصلاح موی سر دخترش است و دیگری بدون اجازه وارد منزل شود و در کار آنان دخالت کند، به نظر می‌رسد در هر چهار قسم حریم خصوصی تصرف کرده است. با مشاهده موی دختر در حریم خصوصی هویتی او تصرف کرده است، با ورود در منزل در حریم خصوصی مکانی، با مشاهده اصلاح‌گری مادر در حریم خصوصی ارتباطاتی و با دخالت در کار آنان در حریم خصوصی کاری تصرف کرده است.



کلمه آگاهی که در تعریف هر چهار قسم آمده، شامل تمامی اقسام آگاهی که با حواس پنج‌گانه حاصل می‌شود از قبیل شنیدنی‌ها و بوییدنی‌ها نیز هست. همچنین در اینجا فرقی بین آگاهی بی‌واسطه یا با واسطه ابزارهای فناورانه یا هوشمند نیست و برای مثال، فرقی نمی‌کند که مشاهده از طریق دوربین مداربسته صورت گیرد یا مستقیماً مشاهده شود. مجموع تصرفاتی که شامل آگاهی می‌شود به نوعی محرمانه بوده و مرتبط با مفهوم راز می‌شود. بنا براین، نقض رازداری مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که در چهار قسم گذشته توزیع شده است و صرفاً یک قسم خاص نیست.

تعریف نهایی؛ ادغام بخش‌های چهارگانه تعریف

می‌توان این چهار قسم را در یک عبارت با جامعی انتزاعی ترکیب کرد و تعریف حریم خصوصی عام را به این نحو طرح کرد:

حریم خصوصی یک فرد بخشی از حیات آن فرد است؛ شامل هویت، مکان، ارتباطات و کارهای او که نوع افراد یک جامعه مفروض مایل نیستند که دیگران بدون اجازه در آن تصرفی از قبیل لمس، تماس، معیت، نگاه، مشاهده، حضور، ورود، دسترسی، توجه، آگاهی، مطالعه، نشر یا مداخله داشته باشند.

به نظر می‌رسد این مفهوم مرکب به تبادل معنا نزدیک‌تر است و موارد عدم صحت سلب و صحت حمل را بهتر روشن می‌سازد. همچنین مواردی که خارج از حریم خصوصی است به خوبی نسبت به این مفهوم صحت سلب دارند. می‌توان این چهار قسم را در یک عبارت انتزاعی ترکیب کرد و «تعریف حریم خصوصی» عام را به این نحو طرح کرد:

هویت یک فرد حیات او را تشکیل می‌دهد و این حیات در بحث ما شامل بدن و نفس او و اوصاف جسمانی و نفسانی اوست. با یک تفسیر وسیع‌تر از هویت، عناوین سه‌گانه دیگر، یعنی مکان انسان، ارتباطات او و کارهای او نیز همه بخشی از زندگی و حیات او هستند. از یک دید اجتماعی، مکان، ارتباطات و کارهای انسان بخشی از هویت انسان است. اگر به این نکته اذعان شود، می‌توان عبارت «شامل هویت، مکان، ارتباطات و کارهای او» را از تعریف حذف کرد. همچنین روشن است که عبارت «از قبیل لمس، تماس، معیت، نگاه، مشاهده، حضور، ورود، دسترسی، توجه، آگاهی، مطالعه، نشر یا مداخله» همه از باب مثال برای تصرف است و گرچه نگارنده سطور مثال دیگری برای تصرف نیافت، ولی اگر مثال دیگری هم یافت شود،



ضروری به تعریف نمی‌زند، از این نظر می‌توان در تعریف نهایی مثال‌ها را نیز حذف کرد و در نهایت، در توضیح تعریف آنها را برشمرد.

برخی به جای «بخشی از حیات» از عبارت «قلمروی از حیات» استفاده کرده‌اند. کلمه قلمرو، یعنی مملکت و ولایت متصرف که یک پادشاه قلمش در آنجا روان است. از آنجا که این تعبیر ممکن است معنایی استعاری به ذهن بیاورد، بهتر است از کاربرد آن در تعریف خودداری شود.

با توجه به نکات پیش گفته، تعریف نهایی را می‌توان - به اختصار - چنین بازنویسی کرد: حریم خصوصی بخشی از حیات یک فرد است که نوع افراد یک جامعه مفروض، مایل نیستند که دیگران بدون اجازه در آن تصرف کنند.

در اینجا سه توضیح در باب این تعریف سودمند است:

۱. قید «در یک جامعه مفروض» نشان می‌دهد که محدوده حریم خصوصی ممکن است از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر متفاوت باشد. جوامع گوناگون و نیز افراد یک جامعه در زمان‌های متفاوت می‌توانند تمایلات متفاوتی در باب حریم خصوصی داشته باشند. برای مثال، در یک جامعه روستایی افراد به هم نزدیک‌ترند و دخالت در کار هم را مرسوم می‌دانند. گاهی به باغ هم وارد می‌شوند یا از آن عبور می‌کنند، ولی در یک جامعه شهری حساسیت‌ها بیشتر است.

۲. قید «مایل نیستند» به معنای نفی میل نیست که حالتی خنثی را هم شامل شود، بلکه مراد از آن اثبات عدم میل است، یعنی میل دارند که تصرفی در آن صورت نگیرد یا به عبارت دیگر، پرهیز دارند که کسی چنین تصرفی داشته باشد، یعنی از تصرف آنان ناراحت شده و احساس بدی دارند و آزار و اذیت یا صدمه می‌بینند. دوست نداشتن و میل نداشتن به معنای بد آمدن به کار می‌رود. قید «مایل نیستند» به این امر نیز اشاره دارد که این حق قابلیت اغماض دارد، یعنی صاحب حریم خصوصی می‌تواند با افشای عامدانه حریم خصوصی خود - برای مثال، در مواردی که عرف و شرع آن را تجویز کند - از حق خود استفاده نکند و از آن عبور کند. مواردی هست که انسان تشخیص می‌دهد که افشای حریم خصوصی، منافی برای فرد دارد، مثل افشای حقوق مدیر که موجب رفع سوء ظن عرف می‌شود.

۳. کلمه «تصرف» در این تعریف موارد ذیل را شامل می‌شود:

- ورود یا حضور در مکان مربوط به دیگری یا افراد خانواده یا دوستان و فامیلش از جمله ورود در منزل او یا منزل دوستان یا فامیلش؛

- نگاه و مشاهده دیگری، نگاه به عکس‌های خصوصی یا خانواده یا دوستان و فامیلش؛
- آگاهی و مطالعه دیگری یا آگاهی و مطالعه مکان‌های حضور دیگری یا خانواده دیگری یا دوستان و فامیلش؛
- نشر اطلاعات دیگری، عکس‌های خصوصی یا خانواده او یا دوستان و فامیلش؛
- مداخله و فضولی در رابطه او با خانواده و دوستان و فامیل یا در کارهای او یا خانواده او یا دوستان و فامیلش؛
- لمس بدن خود او یا افراد خانواده او یا دوستان و فامیلش؛
- تماس با بدن خود او یا افراد خانواده او یا دوستان و فامیلش؛
- معیت با دیگری یا معیت با افراد خانواده او یا دوستان و فامیلش.

نکات سودمند

در اینجا نکاتی سودمند و تکمیلی در باره بحث از موضوع حریم خصوصی را متذکر می‌شوم که می‌توان از آنها برای بحث از حکم «حریم خصوصی» استفاده کرد:

نکته اول: چون فردریک دیویس، معتقدند که چون حق حریم خصوصی، خوشه‌ای از حقوق دیگر است، بحث راجع به مفهوم پیچیده حق حریم خصوصی کاری عبث است؛ چون این نشان می‌دهد که حق حریم خصوصی مفهومی اشتقاقی و فرعی از حقوق اصولی و بنیادین است و بهتر است توجه خود را به این حقوق بی‌واسطه و بلافصل معطوف کنیم. به جای بحث از سعه و ضیق تعریف حریم خصوصی بهتر است از همان اجزای خوشه به صورت حقوقی مستقل، بحث کنیم (Davis, 1959, p. 1).

در مقابل، جودیث یارویس تامسن^۱ معتقد است که یک حق درون خوشه حق حریم خصوصی، می‌تواند درون یک خوشه دیگر نیز قرار گیرد، به خودی خود نشان نمی‌دهد که حق حریم خصوصی یک حق فرعی است. برای مثال، اگر نشان دهیم که حق تنهایی که درون خوشه حق حریم خصوصی قرار دارد، بخشی از حق آزادی انسان نیز هست، دلیل آن نیست که حق حریم خصوصی نسبت به حق تنهایی یک حق فرعی است، اما به این معنا حق حریم خصوصی

1. Judith Jarvis Thomson

یک حق فرعی است که می‌توان برای مثال، نقض حق تنهایی را بدون ارجاع به مفهوم حریم خصوصی تفسیر و توجیه کرد (Thomson, 1975, pp. 312-314).

اما به نظر می‌رسد حتی به معنایی که تامسن گفته است نیز «حق حریم خصوصی» یک حق فرعی نیست؛ چون حق حریم خصوصی یک حق مرکب از مجموعی از حقوق دیگر است. اگر یک مفهوم مرکب باشد و اجزای مفهومی آن به مفاهیم دیگر ارجاع یافته باشد، دلیل آن نیست که آن مفهوم مرکب نسبت به اجزایش فرعی است. اصولاً فرعی و اصلی بودن جزء یا کل در مفهوم مرکب بستگی به اُنس ذهن به کل یا اُنس ذهن به جزء دارد. هر گاه ذهن به یک مفهوم مأنوس تر باشد، آن مفهوم نسبت به مفاهیم دیگری که ذهن با آنها اُنس کمتری دارد، اصلی است. به نظر می‌رسد، در زمان ما ذهن به حق حریم خصوصی مأنوس تر است تا به حق تنهایی. به همین دلیل در هیچ متن حقوقی‌ای به حق تنهایی اشاره نشده است؛ در حالی که بسیاری از متون حقوقی به «حق حریم خصوصی» اشاره شده است. اگر یک مفهوم جامعی مرکب باشد، اصلی و فرعی بودن آن به اُنس ذهن به کاربرد لفظ آن مفهوم بستگی دارد؛ هر چند به دلیل پیچیده بودن توصیف آن جامع مرکب ذهن نتواند به سرعت، اجزای جامع مرکب را توصیف کند. بنابراین، بر خلاف آنچه تامسن مدعی است، کاملاً درست است که نقض حق تنهایی را به دلیل این که نقض حریم خصوصی است، موجه بدانیم. علت امر این است که ذهن به حق حریم خصوصی آشناتر است تا حق تنهایی.

نکته دوم: جوامع گوناگون و نیز افراد یک جامعه در زمان‌های متفاوت می‌توانند تمایلات متفاوتی در باب حریم خصوصی داشته باشند. ممکن است امری که زمانی در حوزه خصوصی تعریف می‌شده در زمان‌هایی بعد امری غیر خصوصی تلقی شود. این امر بدان معناست که حریم خصوصی در زمان‌های مختلف مصادیقی متفاوت خواهد داشت. ممکن است صد سال پیش برخی از روابط خانوادگی بخشی از حریم خصوصی بوده، ولی اینک بخشی از مراودات و محاورات عمومی ما را شکل دهد. مثل تازه عروسی که در دوران قدیم نباید بر سر سفره حاضر می‌شد تا همه غذایشان تمام می‌شد و او باید در پستوی آشپزخانه غذا می‌خورد. چهره او بخشی از حریم خصوصی خانواده تلقی می‌شد؛ در حالی که این نوع تلقی‌ها امروز برچیده شده‌اند. این نسبت زمانی را می‌توان به مکان نیز سرایت داد؛ یعنی ممکن است چیزی در جایی حریم خصوصی باشد، ولی در مکانی دیگر حریم خصوصی تلقی نگردد. اشاره کردیم که محدوده حریم خصوصی ممکن است از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر متفاوت باشد. برای مثال، ممکن است تلبس به لباس لُنک در محلی بخشی از حریم خصوصی مردانه تلقی شود، ولی در محلی



دیگر این چنین نباشد. به عبارت دیگر، آداب و رسوم حسب زمان و مکان تغییر پذیرند و حریم خصوصی افراد نیز بستگی تامی با آداب و رسوم و دیگر شرایط محلی و زمانی دارد. تامسن، می نویسد: ممکن است خانمی غربی حواسش نباشد و زانوی خود را نپوشاند و از این که کسی در حال نگاه کردن به آن است، حس کند که به حریم خصوصی او تجاوز شده است، اما اکثر خانم های غربی حس نمی کنند که اگر کسی به صورتش نگاه کند، حریم خصوصی او نقض شده است، در حالی که خانم های مسلمان چنین حسی دارند (Thomson, 1975, p. 304). این به معنای نسبیّت محدوده حریم خصوصی نسبت به جوامع مختلف است. در عین حال، این نکته را مجدداً یادآوری می کنم که بحث از محدوده حریم خصوصی منفک از بحث از لزوم رعایت آن است. بحث اول، بحثی ناظر به موضوع شناسی و بحث دوم بحثی ناظر به حکم شناسی است و نباید با هم خلط شوند و این مقاله، درصدد بررسی بحث اول است.

نکته سوم: آیا تعیین موارد حریم خصوصی معیاری شخصی دارد یا معیاری عرفی؟ اگر بگوییم معیاری شخصی دارد، بدان معناست که ممکن است اطلاعات شخصی از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد. ممکن است فردی نسبت به چاقی خود حساس باشد و وزن خود را بخشی از حریم خصوصی خود بداند، اما فردی دیگر نسبت به همان نوع اطلاعات حساسیتی نداشته باشد. پس نوع حساسیت افراد نیز در تعیین مصادیق مفهوم حریم خصوصی دخیل است. از بین دانشمندان حوزه حریم خصوصی، پرنهت به قول اول قائل است. اگر بگوییم معیاری عرفی دارد، یعنی کسی نمی تواند با اظهار نظرهای شخصی خاص به خود، مفهوم حریم خصوصی را موسع یا مضیق کند. این بدان معناست که بخش اصلی و محوری مفهوم حریم خصوصی، عرفی و عمومی است و نسبت به اشخاص مختلف تفاوتی نمی کند.

نکته چهارم: حریم خصوصی نسبت به شنونده یا گیرنده نسبی است، یعنی ممکن است شخصی محتوایی درباره یک فرد را بداند و شخص دیگر نداند، در این حال، گسترش تعداد دانایان حکم نقض حریم خصوصی را دارد، یعنی اگر کسی یا عده ای محتوایی را درباره فردی ندانند و حریم خصوصی او را برای آنان افشا کنیم، حریم خصوصی او را نقض کرده ایم؛ هر چند عده ای دیگر آن محتوا را بدانند. به عبارت دیگر، اگر حریم خصوصی سعید برای بابک افشا شده باشد و برای محمود افشا نشده باشد، افشای حریم خصوصی برای بابک نقض حریم خصوصی سعید است. این به معنای نسبیّت مفهوم حریم خصوصی، نسبت به شنونده یا گیرنده اطلاعات است.

نکته پنجم: این که حریم خصوصی هم حق است و هم حکم، یعنی هم حق شخص است



که برای مثال، دیگران نگاه به ربه، به همسرش نکنند؛ چون حریم خصوصی اوست و هم حکم الهی است که کسی نگاه ربه به همسر دیگری نکند. هم حق است که تنها باشیم هم حکم است که نباید ناگهانی وارد اتاق دیگری شد.

نکته ششم: برخی مثل جودیت تامسن (Thomson, 1975, p. 295) و فردریک دیویس (Davis, 1959, p. 20). حریم خصوصی را یک مفهوم مشتق از مفاهیم حقوق دیگری همچون آزادی یا ملکیت می‌دانند. اینها را «تحویل‌گرایان» یا «فروکاهندگان» نامند. غیر تحویل‌گرایان حریم خصوصی را به حقوق دیگر مربوط، ولی با این همه، مستقل از آنها می‌دانند. به نظر مور، بین خودمختاری و حریم خصوصی ارتباط جالبی وجود دارد، ولی هیچ یک از این دو مفهوم در مقایسه با دیگری بنیادی‌تر نیست و نیز نمی‌توان گفت ارزش حریم خصوصی برخاسته از ارزش «خودمختاری» است. به علاوه، در باب خودمختاری نیز نظریه‌های رقیبی وجود دارند و در بحث ما درست نیست که طبق یک نظریه عمل کنیم و حریم خصوصی را طبق آن تفسیر کنیم (Moore, 2008, p. 413-414).

نکته هفتم: این که صاحب حریم خصوصی فعل خیر یا شرّ در حریم خود انجام می‌دهد ربطی به تعریف حریم خصوصی ندارد. بنابراین، اگر کسی در تنهایی خود فعل واجبی یا مستحبی را انجام می‌دهد یا فعل حرامی را مرتکب می‌شود، دخالتی در تعریف حریم خصوصی او ندارد، یعنی هر دو حوزه حریم خصوصی اوست. متعاقباً باید در بحث از حکم حریم خصوصی این موضوع را بیشتر بررسی کرد.

نکته هشتم: آخرین نکته درباره اوصاف ذاتاً آشکار است. تردید وجود دارد که آیا اوصاف و اطلاعات ذاتاً آشکار که در معرض مشاهده و حواس عموم قرار دارد، مثل رنگ چشم، ابرو و نوع بینی و مانند آن از تعریف حریم خصوصی خارج است یا نه؟ به نظر می‌رسد که این موارد از تعریف موضوع حریم خصوصی خارج نیست؛ هرچند ممکن است از حکم آن خارج باشد، به ویژه اگر خانمی با پوشیه باشد و این امور را از دیگران پنهان بدارد.

فهرست منابع

- الخراسانی، محمدکاظم. (آخوند خراسانی). (۱۴۰۹ق). کفایة الاصول. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
 سروش، محمد. (۱۳۹۳). مبانی حریم خصوصی، تهران: سمت.

شهریاری، حمید. (۱۳۹۸). نقد و بررسی چهار تعریف حریم خصوصی از منظر فلسفه اخلاق در غرب. پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۸۲(۲۱)، ۱۰۷-۱۲۸.

الطوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیة. (چاپ هشتم). تهران: المكتبة المرتضوية.

العاملی الحر، محمد بن الحسن (شیخ حرّ عاملی) (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل‌البیته (ع).

الکلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. (چاپ هشتم). تهران: دارالکتب الاسلامیة.

مظفر، محمد رضا. (۱۳۵۷). اصول الفقه، قم: اسماعیلیان.

- Davis, F. (1959). What Do We Mean by Right to Privacy. *South Dakota Law Review*, 4, 1.
- Fried, C. (1968). Privacy. *The Yale Law Journal*, 77(3), 475–493. JSTOR. <https://doi.org/10.2307/794941>
- Fried, C. (1984). Privacy. In F. D. Schoeman (Ed.), *Philosophical Dimensions of Privacy: An Anthology* (1 edition, p. 203-222). New York: Cambridge University Press. Originally printed in Fried, C. (1968). Privacy. *The Yale Law Journal*, 77(3), 475–493. JSTOR. <https://doi.org/10.2307/794941>
- Gavison, R. (1980). Privacy and the Limits of Law. *The Yale Law Journal*, 89(3), 421–471. JSTOR. <https://doi.org/10.2307/795891>
- Inness, J. (1992). *Privacy, Intimacy, and Isolation* (1 edition). New York: Oxford University Press.
- Moore, A. (2008). Defining Privacy. *Journal of Social Philosophy*, 39(3), 411–428. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9833.2008.00433.x>
- Parent, W. A. (1983). Privacy, Morality, and the Law. *Philosophy and Public Affairs*, 12(4), 269–288.
- Thomson, J. J. (1975). The Right to Privacy. *Philosophy and Public Affairs*, 4(4), 295–314.
- Warren, S. D., & Brandeis, L. D. (1890). The Right to Privacy. *Harvard Law Review*, 4(5), 193–220. JSTOR. <https://doi.org/10.2307/1321160>
- Westin, A. (1967). *Privacy and Freedom*. New York: Atheneum.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی